

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۰۵ اپریل ۲۰۱۹

## فتح الله گولن: «چرا دموکراسی ترکیه شکست خورد؟»

محمد فتح الله گولن، کسی که پس از کودتا «نافرجام» و یا «ساختگی» سال ۲۰۱۶ ترکیه، نامش بیش از پیش جهانی شده است. چرا که رجب طیب اردو خان که روزگاری از شاگردان گولن محسوب می شد اما بعدها به منتقدین اردو خان تبدیل شد. اردو خان، گولن را عامل کودتای ۲۰۱۶ ترکیه معرفی کرده است.

رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری ترکیه و اطرافیان او به سرعت مسئولیت کودتای «نافرجام» این کشور را بر عهده آنچه «دولت موازی» می نامند، گذاشتند. آن ها می گویند «دولت موازی» قصد سرنگونی دولت اردو خان را دارد. اندکی پس از نخستین اشاره های مقام های رسمی ترکیه به «دولت موازی»، فتح الله گولن هرگونه دست داشتن در این کودتا را رد کرد.



تازمترین مطلب گولن که در روزنامه زمان ترکی منتشر شده است «چرا دموکراسی در ترکیه شکست خورد؟» نام دارد. این مطلب به زبان های مختلف ترجمه شده است.

فرازهائی از مطلب گولن که در نشریه زمان ترکی منتشر شده، چنین است:

«زمانی ترکیه الگوی دموکراسی اسلامی مدرن به شمار می رفت. درست است که در آغاز هزاره جدید، حزب توسعه و عدالت پس از روی کار آمدن برخی اصلاحات را مطابق معیارهای دموکراسی اتحادیه اروپا انجام داد و وضعیت کشور در زمینه اوضاع حقوق بشر را بهبود بخشید، اما متأسفانه این اصلاحات دیری نپائید و روند اصلاحات پس از سال ۲۰۱۱ متوقف شد و با پیروزی رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری فعلی برای بار سوم، کشور کاملاً به عقب بازگشت.»

«اگر چه ۹۹ درصد جامعه ترکیه مسلمان هستند، اما به شکل آشکاری جامعه ای چندگانه و ناهمگون است. شهروندان ترک به ایدئولوژی ها و فلسفه ها و باورهای متعدد و مختلفی گرایش دارند. آن ها خود را سمتی، علوی، ترک، کرد،

دیگر اقوام، مسلمان، غیر مسلمان، دین‌دار، لائیک و غیره معرفی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای بسط یک ایدئولوژی مشخص بی‌فایده است و تعدی به کرامت انسانی است و شیوه حکومت مشارکتی که به هیچ مجموعه‌ای از اکثریت یا اقلیت اجازه سیطره بر دیگران را ندهد، بهترین شیوه حکومت بر یک جامعه با گرایش‌های مختلف، مانند جامعه ترکیه است. این موضوع درباره سوریه و برخی کشورهای منطقه نیز صدق می‌کند.»

«اردوخان با چنگ انداختن به نهاد حکومت، مصادره شرکت‌های بزرگ و پاداش‌دهی به آنها که او را در این توطئه همراهی می‌کنند، دموکراسی که نوید خیر برای ترکیه بود را از بین برد. او همچنین مرا دشمن حکومت خواند و من و همراهانم را متهم کرد که دلیل همه مشکلات ترکیه در چند سال اخیر هستیم تا سلطه‌اش روی حکومت و جهت‌دهی به افکار عمومی ترکیه را محکم‌تر کند. این بهترین مصادق برای سوء استفاده از یک شخص یا گروه به عنوان مترسک یا قربانی است.»

حکومت اردوخان صدها هزار نفر از کسانی که به سیاست‌های او انتقاد داشتند را دستگیر کرد، به ویژه آنها که با جنبش مسالمت‌آمیز «الخدمه» ارتباط داشتند. هر که از سیاست‌های اردوخان انتقاد کرد، سرکوب شد، از فعالان معترض حوزه محیط زیست، روزنامه‌نگاران، پژوهشگران دانشگاه‌ها، کردها، علوی‌ها، شهروندان غیرمسلمان و برخی گروه‌های اسلامی. این دستگیری‌های بی‌رویه، رانده شدن‌های جبری و ستم‌های دیگر، چه زندگی‌ها و خانواده‌هایی را از بین نبرد. به دلیل این ستم مستمر، هزاران نفر از داوطلبان جنبش «الخدمه» ناچار به پناهندگی در کشورهای اروپایی مانند فرانسه شدند. از آنجا که آن‌ها افراد مقیم جدیدی در این کشورها خواهند شد، مطمئناً در این جوامع ادغام شده و قوانین آن‌ها را محترم شمرده و با مشارکت فعال در پروژه‌های مثبت و سازنده در یافتن راه‌حلی برای مشکلاتی که این جوامع با آن‌ها روبه‌رو هستند، مشارکت خواهند کرد و در راس این مشکلات، انتشار خوانش‌های رادیکال از اسلام در اروپا است.»

هنوز دستگیری‌های دسته‌جمعی هزاران نفر را به دلیل همراهی با یک نفر یا یک گروه، در ترکیه در جریان است. ۱۵۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند و ۲۰۰ هزار نفر به زندان‌های احتیاطی افکنده شده و ۵۰ هزار نفر زندانی شدند. شهروندانی نیز که به دلایل سیاسی تحت نظر قرار گرفته‌اند و می‌خواهند از کشور خارج شوند، به دلیل لغو گذرنامه‌هایشان از حقوق اولیه خود که سازمان ملل به آن‌ها تأکید دارد، در زمینه آزادی سفر محرومند.

اردوخان با استفاده از روابط دیپلماتیک، از آوازه ترکیه که این کشور در جهان از سال ۱۹۲۳ به‌دست آورد، سوءاستفاده کرده و منابع حکومت را برای اعمال فشار و ربودن همراهان جنبش «الخدمه» در سرتاسر جهان به کار می‌گیرد.»

...

«ترکیه امروز عمل به دموکراسی و حقوق بشر را متوقف کرده و آن‌ها را کنار گذاشته است و متأسفانه ترکیه، به‌عنوان یک دولت با اکثریت مسلمان، شانس تاریخی خود برای رسیدن به دموکراسی در اسلوب اروپایی را از دست داد. این موضوع به شکل واقعی در ۱۰ سال پیش ممکن بود.»

امیدوارم این تجارب دردناک و غم‌انگیزی که ترکیه و برخی کشورهای با اقلیت مسلمان در حال تجربه آن هستند، منجر به تولید بینش اجتماعی درباره اهمیت انتشار روح دموکراسی، حاکمیت قانون، اجرای انتخابات آزاد و عادلانه و احترام آزادی‌ها و حقوق اولیه افراد شود.» (منبع: روزنامه زمان ترکیه، ۲۵ فوریه ۲۰۱۹)

\*\*\*

گولن که از سال ۱۹۹۹ در ایالات متحده امریکا در تبعید به سر می‌برد، پیش از این متحد رجب طیب اردوخان به‌شمار می‌رفت و در سال ۲۰۰۲، به او در رسیدن به قدرت کمک کرده بود. با این حال اتحاد میان آن‌ها بدلیل آنچه اختلاف بر سر تقسیم قدرت و شیوه خاص اردوخان در رهبری گزارش شده، از هم پاشید. این اختلاف‌ها به اندازه‌ای رسید که «جنبش خدمت» گولن در ترکیه به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته شد.

فتح‌الله گولن، روحانی و متخصص الهیات که نامش در ۱۹۶۰ با امامت جمعه مسجد اصلی از میر بر سر زبان‌ها افتاد؛ از سال ۱۹۹۹ پس از آن‌که به تضعیف سکولاریسم در ترکیه متهم شد، در تبعیدی خودخواسته در امریکا زندگی می‌کند.

با آن‌که اندکی بعد به‌صورت غیابی از او رفع اتهام شد، اما در امریکا ماند و به سازماندهی یکی از بزرگترین سازمان‌های مذهبی اسلام در ترکیه و کشورهای ادامه داد. «جنبش خدمت» گولن، دارای هزاران هوادار و حامی مالی و بیش از هزار مرکز آموزشی است که به دانش‌آموزان خود آموزش می‌دهد.

این جنبش که به ارائه خدمات اجتماعی همراه با ارزش‌های دینی محافظه‌کارانه شهرت دارد، به‌طور کلی طرفدار به اصطلاح اسلام «میانرو» است. با این حال این جنبش به‌دلیل شبکه قدرتمند و نفوذی که میان تاجران ثروتمند و مراکز آموزشی دارد، از سوی برخی از حکومت‌ها به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود.

اردوخان چندین بار گولن را به تلاش‌های پشت پرده برای مخدوش کردن دولت خود محکوم کرده است؛ از جمله در سال ۲۰۱۳ و در جریان بررسی یک رسوائی از سوی پولیس که چند تن از نزدیکان اردوخان به دست داشتن در این رسوائی مالی محکوم شدند. این رسوائی، همچنین مقام‌های دولت را متهم می‌کرد با استفاده از منابع مالی دولت و خرید طلا و ارسال آن به ایران، نه تنها به تهران برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای این کشور کمک کرده‌اند، بلکه از این طریق ثروت‌اندوزی هم کرده‌اند.

### موافقت و مخالفت گولن با اردوخان

در آغاز جنبش وابسته به فتح‌الله گولن با حزب اسلامی «عدالت و توسعه» به رهبری رجب طیب اردوخان مناسبات نزدیک و دوستانه‌ای داشت اما به‌تدریج به رقیبانی در عرصه سیاست داخلی تبدیل شدند.

بسیاری از تحلیل‌گران ریشه دشمنی دو جریان را در انحصارطلبی و اقتدارجویی رجب طیب اردوخان می‌بینند.

حزب و دولت حاکم در ترکیه از سال ۲۰۱۳، به آزار و تعقیب آشکار هواداران و فعالان «خدمت» دست زدند و برخی از مقامات دولت بلندپایه را به اتهام همکاری با فتح‌الله گولن دستگیر کردند.

دولت ترکیه برخی از بنیادهای وابسته به پیروان گولن را به فساد مالی متهم کرد.

دولت ترکیه به رهبری اردوخان، جریان وابسته به فتح‌الله گولن را متهم کرد که با ایجاد ساختارهای موازی دولتی در داخل دولت ترکیه تشکیل داده، برای سرنگونی حکومت تلاش می‌کند.

دولت ترکیه در جریان حملات متناوب به طرفداران فتح‌الله گولن در چند سال گذشته صدها کارمند دستگاه انتظامی و قضائی را دستگیر یا از کار برکنار کرده است.

دولت، همچنین معتقد است که طرفداران فتح‌الله گولن در رسانه‌های جمعی نفوذ کرده‌اند و به همین بهانه، تعداد بی‌شماری از روزنامه‌نگاران را از رسانه‌ها برکنار کرده و یا به‌طور کلی این رسانه‌ها را تعطیل کرده است.

از این گذشته، دولت جنبش فتح‌الله گولن را جریانی تروریستی شناخته و فعالان این گروه را به‌عنوان تروریست‌های خطرناک، تحت پیگرد قرار داده است. برای نمونه در سال ۲۰۱۴ سردبیر روزنامه «زمان» به همین اتهام دستگیر شد.

## کودتا و طرح اردوخان برای کنترل ریاست ستاد ارتش و سازمان امنیت ترکیه

اردوخان قصد داشت ستاد مشترک ارتش و سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه را زیر کنترل خود درآورد. پس از کودتای «نافرجام» در ترکیه، جناح حاکم واکنش‌های مختلفی نشان دادند.

این تصمیم اردوخان پس از شکست کودتای ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ و دستگیری هزاران نفر از مخالفان دولت و ایجاد تغییرات بزرگ در ارتش ترکیه، قدم دیگری برای به دست گرفتن اختیار نیروهای امنیتی و ارتش برشمرده می‌شود.

رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری این کشور شامگاه شنبه ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۶، طی یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که به منظور ایجاد «تغییراتی جزئی» در قانون اساسی، لایحه‌ای به پارلمان ترکیه ارائه خواهد شد.

رئیس جمهوری ترکیه پس از کودتا، سه ماه وضعیت فوق‌العاده در این کشور اعلام کرد. به‌گفته اردوخان، این زمان در صورتی که وضعیت به حالت عادی برنگشته باشد، تمدید می‌شود. او در این مورد فرانسه را مثال زد که پس از حملات تروریستی پاریس وضعیت فوق‌العاده در آن کشور دو بار تمدید شد. اردوخان این وضعیت را چند بار تمدید کرد.

اردوخان گفت، تاکنون حدود ۱۸ هزار و ۷۰۰ نفر در ترکیه بازداشت شده‌اند. اتهام اغلب بازداشت‌شدگان نزدیکی به فتح‌الله گولن، رهبر «جنبش خدمت» بوده است.

در میان بازداشت‌شدگان، چهره‌هایی از مقامات دولتی، سیاستمداران، دانشمندان و روزنامه‌نگاران وجود دارند. از سوی دیگر، یک مقام ارشد دولتی که نخواست نامش فاش شود، روز شنبه ۳۰ ژوئیه، به رسانه‌ها گفت که دولت ترکیه از مدت‌ها پیش از وقوع کودتا به پیام‌های رمزگذاری‌شده وابستگان به گولن برخورد کرد. بدین ترتیب آنکارا فهرستی از ده‌ها هزار نفر از اعضای شبکه گولن تهیه کرد.

به‌گفته این مقام دولتی، سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه از ماه مه سال گذشته (۲۰۱۵) شروع به رمزگشایی پیام‌هایی کرد که با اپلیکیشن «بای‌لاک» (ByLock) رد و بدل می‌شدند. در این میان ۴۰ هزار تن از طرفداران گولن که ۶۰۰ نفرشان عضو ارتش ترکیه بودند شناسایی شدند. به‌گفته این مقام دولتی، بسیاری از این افراد همان کسانی بودند که به‌طور مستقیم در کودتای ۱۵ ژوئیه دست داشتند.

اردوخان به‌دست داشتن در این رسوایی مالی محکوم شدند. این رسوایی همچنین مقام‌های دولت را متهم می‌کرد با استفاده از منابع مالی دولت و خرید طلا و ارسال آن به ایران، نه تنها به تهران برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای این کشور کمک کرده‌اند، بلکه از این طریق ثروت‌اندوزی هم کرده‌اند.

این رسوایی پس از برکناری چندین دادستان و شماری از مقام‌های ارشد دولتی که در روند بررسی پرونده این فساد دخیل بودند، علنی شد. اتفاقی که اردوخان درباره آن به افکار عمومی گفته بود برای حفاظت از ترکیه و «نیروهای سیاهی» که در حال نابودی کشور هستند، انجام آن ضروری بود. اردوخان در سال گذشته نیز موفق شد مدارس گولن را با انتصاب یک هیأت امنای دولتی، از زیر نظر «جنبش خدمت» خارج کند.

بعد از کودتای نافرجام اخیر در ترکیه، همه نشانه‌ها حاکی از آن است که اردوخان قصد دارد جنبش گولن را در داخل کشور از میان ببرد.

اومیت دوندار، رئیس جدید ستاد مشترک ارتش ترکیه، ۱۶ جولای در بیانیه‌ای اعلام کرد که این نیرو قصد دارد اعضای «دولت موازی» را از ساختار خود حذف کند.

بن‌علی نیل‌دیریم، نخست‌وزیر ترکیه هم در همان روز به خبرنگاران گفت هر کشوری که فتح‌الله گولن را پناه دهد، در زمره دوستان ترکیه قرار ندارد. با این حال وی از اشاره به نام ایالات متحده که گولن در آن کشور زندگی می‌کند خودداری کرد. آنکارا پیش‌تر اعلام امیدواری کرده بود که واشینگتن اجازه استرداد گولن به آنکارا را صادر کند.

نیلدیریم، همچنین به صورت غیرمستقیم از امریکا به خاطر بی‌اعتنائی به نگرانی‌های قبلی آنکارا در مورد گولن انتقاد کرد و گفت «این موضوع باعث شد که ما بهای زیادی بپردازیم.» همین داده‌ها نشان می‌دهند که دولت اردوخان از سال ۲۰۱۵ به فکر فراهم کردن پیش زمینه‌های این کودتا بود و از نزدیک دنبال می‌کرد و خبر داشت؛ اما احتمالاً آگاهانه گذاشت این اقدام در سطح محدودی اجرا شود تا دولت به بهانه کودتا، بتواند مخالفین و حتی منتقدین خود را سریعاً و به‌شدت قلع و قمع کند.

### دادگاهی در استانبول حکم بازداشت فتح‌الله گولن را صادر کرد

یک دادگاه کلان‌شهر استانبول حکم بازداشت فتح‌الله گولن، روحانی ساکن امریکا را صادر کرده است. بر اساس حکم این دادگاه، گولن متهم به تلاش برای کودتا علیه دولت قانونی در ترکیه است. خبرگزاری آناتولی روز پنج‌شنبه ۴ اوت ۲۰۱۶، نوشت که که دادگاه در دلایل حکم خود آورده است که این روحانی «مأموریت برای اجرای کودتا را صادر کرده است.»

دادگاه استانبول در حکم خود می‌افزاید: «جای تردید نیست که این تلاش برای کودتا، یک حرکت سازمان‌ترور است و این امر به مأموریت از سوی مؤسس این سازمان، یعنی فرد مظنون فتح‌الله گولن، تحقق یافته است.» رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهور ترکیه از مقامات امریکا بارها خواسته است، فتح‌الله گولن را به دولت ترکیه تحویل دهد.

روز پنج‌شنبه ۴ اوت ۲۰۱۶، رجب طیب اردوخان خواستار پاکسازی حوزه اقتصاد کشور از افراد طرفدار گولن شد. اردوخان در برابر روسای اتاق بازرگانی و بورس ترکیه در آنکارا گفت که جنبش گولن به‌ویژه در حوزه اقتصاد فعال است.

اردوخان، تجار را فراخواند تا هواداران گولن را به مقامات ترکیه معرفی کنند و افزود: «حتا اگر این فرد یکی از خویشاوندان شما باشد.» به گفته او، کسی که از جنبش گولن حمایت مالی می‌کند، به همان اندازه گناهکار است که کودتاگران مقصرند.

اردوخان تأکید کرد: «ما رحم نخواهیم کرد» و افزود که این پایان کار نیست و دولت ترکیه در میانه راه مبارزه با جنبش گولن است.

### انکار گولن

فتح‌الله گولن اتهام دخالت در کودتای اخیر ترکیه را بی‌درنگ تکذیب کرد. او گفت که خود بارها از مصیبت کودتای نظامی رنج برده و همکاری با یک کودتا را ننگ و رسوائی می‌داند.

گولن تأکید کرد: «چنین اتهاماتی را به شدت رد می‌کنم و از خدا می‌خواهم که اوضاع ترکیه هرچه زودتر به حالت عادی برگردد.»

فتح‌الله گولن: آماده بازگشت به ترکیه هستم

گولن با وجود این گفته است اگر تصمیم به استرداد او گرفته شود، او به این تصمیم گردن خواهد گذاشت.

فتح‌الله گولن، روز یکشنبه ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۶، در محل اقامت خود در پنسیلوانیا در برابر گروهی از روزنامه‌نگاران گفت، اگر به استرداد او حکم شود، از آن تبعیت خواهد کرد.

گولن به نیویورک تایمز گفت، مدت‌هاست که در ترکیه نبوده و نمی‌داند در آنجا چه کسانی از او حمایت می‌کنند. او گفت، تلاش برای کودتا ممکن است سناریوی خود اردوخان باشد.

گولن به خبرنگاران گفت: «من آماده‌ام خود را در برابر یک کمیته تحقیق بین‌المللی قرار دهم. اگر این کمیته مرا مقصر بداند آماده رفتن به اتاق اعدام هستم.» گولن اما تأکید کرد چنین چیزی (اعدام او) اتفاق نخواهد افتاد، زیرا او هیچ‌کاری انجام نداده است.

گولن درباره اردوخان نیز گفت: «من هیچ ارتباطی با کودتا ندارم. رفتار اردوخان به مرز جنون رسیده است. من بارها گفته‌ام که مخالف به‌کارگیری هر نوع خشونت برای مقاصد سیاسی هستم. من طرفدار دموکراسی در ترکیه هستم و کوتای نظامی را رد می‌کنم.»

هنگام بالا رفتن اردوخان از پله‌های قدرت در ترکیه، گولن از او حمایت می‌کرد. اما اکنون این دو از همدیگر متنفرند. اردوخان فکر می‌کند که گولن درصد براندازی اوست اما گولن بر این نظر است که اردوخان به یک «مستبد» تبدیل شده و می‌خواهد هر نوع مخالفتی را از بین ببرد.

به نظر گولن اردوخان به «شدت تشنه قدرت» است و تصور می‌کند که دیگران نیز مانند او هستند. گولن در باره رئیس‌جمهور ترکیه گفت: «اردوخان از یک قشر فقیر جامعه برخاسته و حالا در کاخ‌ها زندگی می‌کند. موفقیت و قدرت او را فاسد کرده است و این یک نوع نابودی است.»

فتح‌الله گولن، در مصاحبه اختصاصی و طولانی با تلویزیون ZDF آلمان گفته است: «کودتای نافرجام را اردوخان طرح کرد!»

پرسش: آقای گولن، از زمان کودتا بدین‌سو، عملیات پاکسازی گسترده‌ای علیه هواداران شما جریان دارد. تا کنون بیش از صد هزار کارمند عدلی و قضائی، آموزگار و مأمور دولت از وظیفه اخراج گردید و نزدیک به ۲۰۰۰۰ نفر زندانی شد. ترکیه به کدام سو می‌رود؟

پاسخ: این‌ها همه از قیل طرح شده بودند. برای تحقق این پاکسازی به یک سببی نیاز بود. تا این تصفیه‌کاری‌ها بر مبنای آن سبب صورت بگیرد و در نزد جامعه جهانی معقول دانسته شود. برای این تصفیه‌کاری، از ارگان‌های عدلی و شاید هم از نظامی، لیست‌های افرادی که باید از نهادهای دولتی اخراج شوند، از جانب حکومت ترتیب داده می‌شد. ولی در برابر این تصفیه‌کاری‌ها ایستادگی صورت می‌گرفت. به همین جهت، سناریوی کودتا یک سبب معقول برای این برکناری‌ها قرار گرفت. آغاز برکناری‌ها فردای کودتا، هدف و نیت شان را آشکارا نشان می‌داد. از آنجا که آن‌ها مسایل دنیا را بهتر از من درک می‌کنند، می‌دانند که ترکیه به کدام سو می‌رود. اگر جریان‌ات اخیر را تحلیل و بررسی کنند، خواهند دید که این کودتا یک سناریوی از پیش طرح شده بوده است. از یک‌سو اظهارات رئیس‌جمهور اردوخان در روز کودتا که گفته بود «خوب شد که اقدام کودتا صورت گرفت، این کار به نفع ما تمام شد.» و از دیگر سو مسلح ساختن افراد یک سازمان و دستور شلیک کردن به‌سوی افراد ملکی، همه بیان‌گر سناریو و جعلی بودن کودتا است. در پاسخ به این‌که «آیا ترکیه به جهت مثبت روان است؟» باید گفت که ترکیه چندین بار اتفاقات ناگوار را تجربه کرد. از جمله کودتای ۱۹۶۰، کودتای ۱۹۷۱، کودتای ۱۹۸۰، کودتای ۱۹۹۷. من جزء کسانی هستم که در زیر پلیت‌های همه این کودتاها پامال شدم. ما آن‌گونه که این حوادث را پشت سر گذاشتیم، به یاری خداوند اتفاقات امروز را نیز پشت سر خواهیم گذاشت.

پرسش: رئیس‌جمهور ترکیه شما را متهم به انجام کودتا نموده است. دادستانی ترکیه خواستار دو بار حبس ابد برای شما شده است. آیا این ادعاها واقعیت دارد؟ آیا شما واقعاً در این کودتا نقش داشتید؟

پاسخ: من ۱۶ سال است به دور از ترکیه در این‌جا به‌سر می‌برم. اگر در این باره، کدام مکالمات تلفونی و یا کدام دستور شفاهی من در پیوند به انجام کودتا وجود داشته باشد، ثابت بسازند. من با کمال میل خواسته آن‌ها را به‌جا خواهم آورد. این یک طرف مسئله است. نکته دوم این است که من به آن‌ها یک پیشنهاد بسیار معقول نمودم. یک نهاد بین‌المللی ایجاد گردد و این قضیه را بررسی کند. اگر ادعای آن‌ها برحق ثابت شود، نتیجه آن را با دل و جان خواهم پذیرفت. ولی در این باره نه شواهد موثقی ارائه کرده توانستند، و نه به پیشنهاد من پاسخ گفته توانستند. از این جهت، آنچه آن‌ها می‌گویند، ادعائی بیش نیست. اسنادی که آن‌ها تحت نام شواهد کودتا این‌جا فرستاده‌اند، همه اوراق خالی هستند. نهادهای عدلی این‌جا، اوراق فرستاده شده را به بررسی گرفتند، اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، مطابق آن تصمیم خواهند گرفت. در آلمان نیز قانون و عدالت وجود دارد، در این‌جا نیز حاکمیت قانون و عدالت را شاهد بوده‌ام. پس از کودتای نظامی ۱۹۹۷ در دادگاه نیوجرسی، اظهارات خویش را ارائه کردم. در آن زمان نیز نظامیان علیه من اقامه دعوا کرده بودند. از این قضیه نیز برانت یافتم.

...

### محمد فتح‌الله گولن رقیب رجب طیب اردو خان کیست و جنبش آن کدام است؟

نام فتح‌الله گولن از حدود نیم قرن پیش با انتشار برداشت خاصی از اسلام به سر زبان‌ها افتاد. «محمد فتح‌الله گولن»، متولد ۱۹۴۱ در روستای «کوروچوک» در نزدیکی «ارزروم» ترکیه است. پدرش، «رامیز گولن»، امام جماعت مسجد یک روستا بود و ظاهراً افراد خانواده‌اش تحت تأثیر مبلغی مذهبی به‌نام «سعید نوری» قرار داشتند و این وابستگی بعدها در فتح‌الله گولن نیز به وجود آمد. او چنان تحت تأثیر نوری قرار داشت که برخی از ویژگی‌های او، نظیر سخنرانی در مسجد از ۱۶ سالگی، را به خود نسبت داده‌است. گولن با وجود آن‌که هیچ‌گاه تحصیلات منظم و رسمی آموزش دینی نداشته، اما مدعی است که به‌صورت غیررسمی این تحصیلات را دنبال کرده است. او ضمن سخنرانی در مساجد بزرگ ترکیه، فعالیت خود را بر روی اقتصاد متمرکز نمود.

فتح‌الله گولن، همزمان با شروع فعالیت، در سال ۱۹۸۱، جماعت گولن را نیز راه‌اندازی کرد؛ گروهی به ظاهر مذهبی که برای ترویج عقاید او بنیان‌گذاری شده بود. این جماعت که بعدها با نام جنبش گولن نیز شهرت یافت، موضوع آموزش و ایجاد مراکز آموزشی را اولویت خود می‌داند. برخی محققان اعضای این جماعت را بین ۴۰۰ هزار تا ۴ میلیون نفر می‌دانند که در مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای و حتی ایستگاه‌های رادیو و تلویزیونی متعلق به گولن فعالند. مدارس او که از پشتیبانی امریکا در سراسر جهان برخوردار است، بیش از ۲ میلیون دانش‌آموز و دانشجو را تحت پوشش دارند که بسیاری از آن‌ها بورس تحصیلی گولن دریافت می‌کنند.

نکته جالب توجه این است که برخی از این محصلان اصولاً مسلمان نیستند و غرب در برابر ترویج تفکرات ظاهراً اسلامی گولن در این مناطق هیچ‌گونه واکنش منفی از خود نشان نمی‌دهد. این جماعت با استفاده از ۱۰۰۰ مدرسه خود، در پنج قاره، که تنها ۳۰۰ مورد آن در ترکیه قرار دارد، به ترویج اندیشه خود مشغول است. جماعت او در تمامی ایالت‌های امریکا شعبه دارند و توانسته‌اند جایگاه خود را در کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان و حتی روسیه، بدون هیچ مشکلی محکم کنند.

او برای اسلام تبلیغ می‌کند که بیش از سنت به عرفان تکیه دارد و بینش عرفانی خود را با مداراجوئی و آموزش و معرفت و گفت‌وگو میان مذاهب در آمیخته است.

او به پیروان خود اندرز می‌دهد که به جای مسجد مدرسه بنا کنند و منش خود را «خدمت» می‌خواند. البیته در این مدارس آموزش اسلامی پرنگتر است.

فتح‌الله گولن طرفدار جدائی دین و دولت است و از این نظر با سکولاریسم مصطفی کمال آتاتورک، پایه‌گذار ترکیه نوین، اختلاف نظری ندارد.

پیروان فتح‌الله گولن در بیش از صد کشور جهان بیش از هزار مدرسه تأسیس کرده‌اند. در ترکیه ده‌ها دانشگاه، بیمارستان و مؤسسه خیریه بر پایه رهیافت‌های گولن پا گرفته‌اند.

برای مثال در آلمان، در شهرهائی مانند کلن، اشتوتگارت، مانهایم و برلین نیز شعبه‌های «خدمت» فعال هستند. در آلمان، بیش از ۲۵ مدرسه و ۳۰۰ محفل درسی طبق آموزه‌های فتح‌الله گولن فعال هستند. منتقدان نگران هستند که این مدرسه‌ها به پایگاهی برای اسلام‌گرائی افراطی بدل شوند.

جنبش گولن شامل مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های حرفه‌ای و کاری و حتی ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی است. در نگاه جهانی، جنبش گولن بیش‌تر در امر آموزش فعال است. در سال ۲۰۰۹، مجله معروف نیوز ویک گزارش داد که افراد جنبش، مدارس بسیاری را در نقاط مختلف دنیا اداره می‌کنند که بیش از ۲ میلیون دانش‌آموز را تربیت کرده که بسیاری از آن‌ها از بورس کامل تحصیلی از سوی بنیاد گولن برخوردار بودند.

تعداد مدارس گولن در داخل ترکیه ۳۰۰ مدرسه و در کل دنیا بیش از ۱۰۰۰ مدرسه تخمین زده می‌شود که در کشورهای مختلف در پنج قاره گسترده شده اند و به صورت منعطف و ارگانیک با مؤسس مجموعه، فتح‌الله گولن در ارتباط هستند. همه مدارس گولن در تمام نقاط دنیا آموزش به زبان انگلیسی دارند و یکی از مشخصه‌های فارغ‌التحصیلان این مدارس تسلط کامل به زبان انگلیسی است.

مدارس گولن که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی از سوی محافل مذهبی مورد استقبال قرار گرفته بود، بعدها با این اتهام که در آن‌ها فعالیت‌های اسلام‌گرایانه ترویج می‌شد، از سوی دولت‌های این مناطق از دست جنبش گولن خارج شد. با این حال این جنبش در هیچ کجا به اندازه ترکیه مورد غضب قرار ننگرفته است. دولت اردوخن به‌طور مکرر پیروان گولن را به سوءاستفاده از موقعیت خود در ساختار دولتی برای تضعیف و غصب دولت محکوم کرده است.

فتح‌الله گولن از سال ۱۹۹۹، به امریکا مهاجرت کرد و از آن‌جا که از سلامتی کامل جسمانی برخوردار نیست، در ویلائی در پنسیلوانیا در انزوا زندگی می‌کند و کمتر در جمع ظاهر می‌شود. واقعیت این است که وی برای درمان به امریکا رفته بود، اما به دلیل این‌که در ترکیه برای او حکم بازداشت صادر شده بود، مجبور به اقامت دائمی در امریکا شد.

در آغاز جنبش فتح‌الله گولن با حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوخن روابط دوستانه‌ای داشت اما به‌تدریج به رقیبانی سرسخت در ترکیه تبدیل شدند. بسیاری از تحلیلگران ریشه دشمنی دو جریان را در انحصارطلبی و اقتدارطلبی هر دو جریان می‌بینند.

از آبان ماه سال ۱۳۹۲- نوامبر ۲۰۱۳، اتفاقاتی به وقوع پیوست که نشان می‌داد حزب حاکم و جریان گولن دیگر تحمل همدیگر را ندارند. نخستین جرقه این اختلافات در ممنوعیت فعالیت آموزشگاه‌های خصوصی جماعت گولن از سوی دولت اردوخن بود. اوج‌گیری اختلافات گولن و اردوخن باعث شد که با چراغ سبز حکومت، عناصر رسانه‌ای مخالف گولن در ترکیه، حجم وسیعی از مقالات، سخنرانی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی بر ضد جریان گولن و شخصیت او منتشر کنند و در مقابل نیز رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی گولن شروع به افشای فساد مالی اردوخن و نزدیکانش کردند.



در چنین شرایطی، حزب و دولت اردوخان در ترکیه از سال ۲۰۱۳، به تعقیب آشکار هواداران و فعالان جماعت گولن دست زدند و برخی از مقامات دولت بلندپایه را به اتهام همکاری با فتح‌الله گولن دستگیر کردند. این در حالی است که، دولت ترکیه برخی از بنیادهای وابسته به پیروان گولن را به فساد مالی متهم می‌کند. از طرفی، حکومت ترکیه به رهبری اردوخان، جریان وابسته به فتح‌الله گولن را متهم می‌کند که ساختارهای موازی دولتی در داخل دولت ترکیه تشکیل داده است و برای سرنگونی حکومت اردوخان تلاش می‌کند. در این راستا دولت ترکیه در جریان حملات مداوم به طرفداران فتح‌الله گولن در چند سال گذشته صدها کارمند دستگاه انتظامی و قضائی را دستگیر یا از کار برکنار کرده است. از سوئی، دولت اردوخان جنبش فتح‌الله گولن را جریانی تروریستی شناخته و فعالان این گروه را به عنوان تروریست‌های خطرناک، تحت پیگرد قرار داده است. از سوئی، دولت ترکیه گولن را به دست داشتن در کودتای ۱۵ ژوئیه متهم کرده است. این در حالی است که، فتح‌الله گولن اتهام دخالت در این کودتا را به شدت تکذیب می‌کند.

### عروج و افول اسلام‌گرایی

اسلام‌گرایی بر خلاف ادعاهای گردانندگان آن، در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، ایدئولوژیکی، آموزشی و فرهنگی ناکام مانده و به فساد آلوده است. اکنون حکومت شیعه ایران، حزب حاکم اسلامی عدالت و توسعه ترکیه دچار بحران شده‌اند. خلافت اسلامی (داعش) کاملاً از هم پاشیده است. به عبارت دیگر، اسلام رادیکال و میان‌هرو شیعه مذهب و سنی مذهب، هر دو دوره افول خود را از سر می‌گذارند.

جهان‌بینی اسلامی، به‌طور چشم‌گیری پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تقویت هژمونی غرب تغییر یافت. شیوه فکر غربی از طریق روشنفکران و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و همچنین امپریالیسم و جنگ در جوامع به اصطلاح اسلامی به‌ویژه خاص در قلب خاورمیانه نفوذ پیدا کرد. امپراتوری در حال زوال عثمانی مدل‌های نظامی اروپائی را وارد ساخت و سرزمین‌های مستعمره وارد شدن به نظام تولید اقتصادی غرب را آغاز کردند. همچنین سنت‌های حقوقی و قانونی غربی که بر روی حاکمیت قانون و ساختارهای سیستماتیک تأکید داشت جایگزین گفتمان شریعت به‌عنوان ستون فقرات قوانین اساسی دولت - ملت‌های تازه شدند. در این عصر تازه، سیالیت مذهب و سیاست حول محور امت راهی را برای تنظیم محدوده‌ها و قلمروها گشود.

در انقلاب مشروطیت ایران نیز ایده غربی گسترش یافت و مشروطه بر مشروعه غلبه کرد. در واکنش به این ایده غربی و گرایشات سکولار، سوسیالیست و آنتیست، علمای اسلامی، به بازتفسیر عقایدشان در اواخر قرن نوزدهم میلادی برای ایجاد ایدئولوژی‌های تازه‌ای پرداختند که وعده احیای می‌دادند. جمال‌الدین افغانی و محمد عبده پیش‌تاز تلاش‌ها در این زمینه برای فراخواندن مسلمانان به تطبیق دادن سبک زندگی شان با دیدگاه‌های غربی در مورد مدرنیته سیاسی و اقتصادی بودند. آنان هرگز خود را سلفی نخواندند. در ایران نیز علی شریعتی در این راستا تلاش می‌کرد. برای آنان موضوع بازگشت به منابع اصلی برای یافتن راهی به منظور سازگاری با چالش‌های تازه ایجاد شده بود.

برای نجات اسلام، این متفکران مسلمان از جنبش سیاسی، فرهنگی و مذهبی «نهضه» (رنسانس) حمایت می‌کردند که به طور ناخواسته نتیجه دیگری داد. مانیفست *حقایق اسلام* و *امت دیگر* اشاره‌اش به تجربه‌های اولیه اسلام نبود، بلکه در عوض اسلام صرفاً از طریق چگونگی و توان تقلید دستاوردهای غرب مورد سنجش و قضاوت قرار می‌گرفت. این گونه فشرده شدن اسلام درون ظروف غربی هم‌زمان بود با ایجاد نهادهای دولتی تازه در خاورمیانه در دوران پسا

عثمانی. در آن زمان بود که حکومت‌های جمهوری ایجاد شدند که بیان‌گر رهبری دوران صدر اسلام نبودند، بلکه نسخه‌هایی مدرن از استبداد با ویژگی میلیتاریستی (نظامی) و ناسیونالیستی عربی قرن نوزدهمی بودند. این تفسیر از اسلام، میراث قدرتمند دیگری را برجای گذاشت. از اوایل قرن بیستم میلادی، اسلام عمده تمرکزش را بر روی مقاومت علیه ایده‌های سیاسی و اجتماعی غربی قرار داد به خصوص برای هر کسی که پروژه اولیه مسلمانان برای اصلاح و مصالحه را رد می‌کرد. سیاسی‌تر شدن اسلام باعث شد تا عقیده تبدیل به ابزاری برای مبارزه «ضدکمونیستی» و «ضد امپریالیستی» شود و سبب شکل‌گیری نسل تازه‌ای از کنشگران شد که از اسلام برای رؤیایی با مدل غرب استفاده می‌کردند و معتقد بودند که می‌توانند مسلمانان را از عقب ماندگی‌ای که آنان مدعی‌اش بودند نجات داده و از آنان در برابر نفوذ فرهنگ غربی محافظت کنند.

این اسلام‌گرایی، به شکل‌گیری به آن ایدئولوژی منجر شد که مذهب و سیاست را قوی‌تر از صرف احکام کلاسیک اسلامی در هم آمیخت. با این وجود، میان دوگانه سیاست و مذهب در قرون پیشین اسلامی، جنبش‌های اسلام‌گرا از جمله اخوان المسلمین ایده‌آل‌های سرسختانه‌ای را وضع کردند. در این چارچوب مومن بودن دیگر مربوط به کارهایی که مسلمانان باید انجام می‌دادند نمی‌شد. در مقابل، با روگردانی از سنت‌های فلسفی و پرسش‌گرایانه صدر اسلام، پرسشی که در دستور کار اسلام‌گرایان تازه قرار می‌گرفت این بود که یک شخص مورد نظر مسلمان است یا کافر! در این چارچوب جهاد (مبارزه و جنگ علیه دشمنان اسلام) و تکفیر (طرد شدن)، مفاهیمی که در فقه اسلامی وجود داشتند، احیا شدند و برای توجیه مقاومت و مبارزه در دنیای جدید مورد استفاده قرار گرفتند. همین امر موجب تشدید دوگانگی میان اسلام و غرب یکدیگر شد. گرایش‌های اسلامی به اسلام به دیده مفهومی بی‌زمان و نامحدود و بدون حد و مرز که نماینده کلیت حاکمیت خدا و بشر آفریده شده توسط اوست نگاه نمی‌کردند هدف آنان به‌طور آشکارا به دست گرفتن دولت و قدرت سیاسی تبدیل شد.

در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، با افول ملی‌گرایی عربی به‌عنوان ایدئولوژی مسلط، اسلام‌گرایی به سرعت گسترش یافت. شکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل باعث نابودی آرمان‌های ملی‌گرایانه عربی شد و انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران نیز ناسیونالیسم عظیم‌طلب حکومت شاه را نابود کرد. سرنگونی شاه در ایران، نشان داد که گرایش‌های اسلامی قادرند که از طریق باورهای مذهبی می‌توان بر یک حکومت اقتدارگرای قدرتمند مورد حمایت بزرگترین مدافعان غربی فائق آمد و پیروز شد. با این حال، آن اسلام‌گرایی در تحقق وعده‌های «آرمانی» خود شکست خورد. جنبش‌های اسلام‌گرا در سرتاسر جهان عرب یا خنثی و یا ورشکست شدند. جنگ داخلی الجزایر در دهه ۹۰ میلادی از پیش‌نشان که نارضایتی در جهان عرب در پیش خواهد بود امری که به بهار عربی منجر شد. اخوان المسلمین در مصر یک سال حکمرانی فاجعه‌بار را پیش از سرنگون شدن بر اثر کودتای نظامی در ژوئیه ۲۰۱۳ میلادی تجربه کردند. پس از آن سرکوب اعضای آن گروه آغاز شد. در عراق، سوریه و یمن، نیروهای اسلام‌گرا ناکام در تقویت دموکراسی بودند و مضمحل شدند. در مراکش، اردن و کویت احزاب قانونی اسلام‌گرا از موفقیت‌های انتخاباتی در پارلمان بهره‌مند شدند. با این حال، آنان عملاً ناکارآمد بودند چرا که سیاست در آن کشورها زیر سایه قدرت پادشاهان معنا پیدا می‌کند که قدرت مطلق اجرائی را در دست دارند.

دلایل متعددی را می‌توان برای شکست این مدل اسلام‌گرایی آورد. نخست آن که جنبش‌های اسلام‌گرا، راحل‌های جدی و ماندگار به مسایل اقتصادی و اجتماعی ارائه ندادند. آنان صرفاً شعار دادند. گفتن این که «اسلام راحل است» و «قرآن قانون اساسی ماست» ربطی برای سیاست‌گذاری عمومی به منظور حل مشکلات ندارد؛ مشکلاتی چون افزایش سانسور، سرکوب، فقر، بیکاری گسترده، سیستم آموزشی و قضائی شکست خورده و فساد همه گستر داخلی و خارجی.

دومین علت شکست اسلامگرائی آن است که احزاب و گروه‌های اسلامی در تطبیق دادن خود با سیاست دموکراتیک و تبدیل شدن به بخشی از آن به‌جز مورد تونس شکست خوردند. این استدلال که می‌گوید اسلام‌گرایان فرصت کافی برای اداره کردن امور جامعه کسب نکردند تا اعتبار دموکراتیک خود را اثبات کنند، واقعیت ندارد. در ایران حکومت اسلامی چهل سال و در ترکیه حزب حاکم اسلامی عدالت و توسعه ۱۷ سال و در مصر، اخوان المسلمین اکثریت پارلمانا و ریاست جمهوری را تشخیر کرد زمان کمی نبود که هنرهای خود را نشان دهند. اما آنچه که به وفور بود جز سانسور و سرکوب شدید مخالفین، آزادی‌های فردی و جمعی و سرکوب سیستماتیک زنان و گسترش فقر و بیکاری و استثمار شدید نبود. آن‌ها تنها به فکر تثبیت قدرت خود بودند و هستند.

اسلام‌گرایان همچنین نشان دادند که در برابر اقتصاد و سیاست و قدرت، شدیداً وسوسه و از خودبی‌خود می‌شوند و در برابر آن‌ها مصونیت ندارند. در مصر، پس از سقوط حسنی مبارک رئیس جمهوری در فوریه ۲۰۱۱ میلادی، اخوان المسلمین با ارتش همکاری کرد و در مقابل، تمام بازیگران سیاسی دیگر را تحقیر کرد و نادیده گرفت. در ترکیه حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردوخان، بیش‌تر از آن که به فکر رشد و پیشرفت جامعه باشد بر اسلامگرائی و عثمانی‌گری تأکید می‌ورزد.

اسلام‌گرایان در حال حاضر به فکر تقسیمات و اختلافات ژئوپولیتیک و درگیری‌های فرقه‌ای گیر کرده‌اند. سوریه و لبنان نمونه خوبی برای این مورد است. حزب‌الله لبنان از آغاز اهرم حکومت اسلامی ایران و بیان ضرورت‌های ایدئولوژیک شیعه به‌منظور رهبری سیاست رادیکال بوده است. کمی پس از تأسیس، آن گروه به تدریج به یک جریان «ضد اسرائیلی» تبدیل شد. حزب‌الله تحت قیمومیت و حمایت از سوی حکومت اسلامی ایران، مدعی است که از جانب مردم لبنان، در جنگ داخلی سوریه در حمایت از حکومت بشار اسد، علیه نیروهای سنی می‌جنگد. حزب‌الله اعلام کرده که جنگ در سوریه جنگ در میدان نبرد آخرالزمانی است. در نتیجه، حزب‌الله جنبش اسلامگرائی است که کمترین دغدغه را درباره آینده سیاسی و اقتصادی لبنان ندارد و بیش‌تر به یک نهاد فراملی حکومت اسلامی ایران تبدیل شده است که مقاصد ایدئولوژیک و آخرالزمانی خود را در لبنان و کشورهای خارجی دنبال می‌کند.

از زمان حمله نیروهای ائتلاف تحت رهبری امریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی، عمده صداهای با تأثیرات سیاسی اجتماعی بیش‌تر از سایر جریانات از سوی مقتدی صدر روحانی شیعه و گروه شیعه حشد الشعبی (کمیته‌های بسیج مردمی) بودند. در سال ۲۰۰۶ میلادی، صدر تغییر جهت داد و از محکوم کردن روند گذار سیاسی مورد حمایت امریکا به مشارکت با این روند روی آورد. جنبش او در نتیجه این همکاری بخشی از کرسی‌های پارلمان را کسب کرد، کرسی‌هایی که برای تبدیل شدن آن گروه به یک نیروی جریان ساز و تأثیرگذار کافی بودند. صدر شبکه‌های اجتماعی را در جنوب عراق تأسیس کرد. سپس، کمیته‌های تشکیل شدند که متشکل از نیروهای شبه نظامی بودند که در عرصه میدانی علیه داعش می‌جنگیدند و موفقیت‌های را کسب کردند برخلاف ارتش منظم عراق که در این زمینه موفقیت چندانی نداشت. صدر و حشد الشعبی به‌طور کلی دو نیروئی بودند که نشان دادند در مقایسه با احزاب سنتی که در دوران پس از سقوط صدام ظهور کرده بودند در اداره امور عراق حریص‌تر هستند به خصوص حریص‌تر از حزب الدعوه اسلامی عراق که نسخه‌برداری شده از روی ایدئولوژی و استراتژی اخوان المسلمین بود.

به این ترتیب، اسلامگرائی یک رامحل برای مشکلات مسلمانان نیست. بهار عربی سرآغاز سیاست دموکراتیک، حاکمیت مردمی و احیای کرامت انسانی بود که بلافاصله توسط گرایش‌های مذهبی و حکومت‌های حامی منطقه و جهانی آن‌ها به خاک و خون کشیده شد. در مصر ارتش کودتا کرد و لیبی نیز عملاً بین نظامیان و گروه‌های اسلامی تقسیم شده

است. بنابراین، اسلام‌گرایی دیگر نمی‌تواند با سلام و صلوات نجات‌دهنده باشد. وعده اتویپائی اسلام‌گرایان شکست خورده است و در عین حال آرمان‌گرایی بهار عربی که از نوع دموکراتیک بود نیز تحقق نیافته است. اکنون در ایران، ترکیه و هم کشورهای عربی، نوعی احساس روحانیت‌سنجی در میان مردم به چشم می‌خورد، آن هم در قبال روحانیونی که مدعی قدرت هستند. اکنون از طریق ابزاری شدن متون مقدس و ایده‌هایی که شخصیت‌هایی چون پادشاهان، احزاب سیاسی چون اسلام‌گرایان و یا نهادهایی چون علمای منصوب شده دولتی مطرح می‌کنند جز ایجاد ترس و یا احساس لزوم اطاعت مورد حکمرانی قرار می‌گیرند کاربرد خود را از دست داده‌اند. قدسی‌گرایی به‌نوعی پایان اسلام‌گرایی در ایران و منطقه قلمداد می‌شود.

\*\*\*

در جمع‌بندی می‌توانیم تأکید کنیم که، ایدئولوژی مذهبی - سیاسی با چالش‌هایی اساسی مواجه است. ایده اسلامی «رادیکال» و «میانه روی» هر دو روی یک سکه اند و اساساً خواهان اعمال سیاست‌ها مستبدانه و سرکوب‌گرانه هستند. لازمه روشننگری امروز، تفکر انتقادی به همه ایدئولوژی‌ها به‌ویژه مذهب در هر شکل‌اش است! اگر به کالبدشکافی و بیان چپستی و چرائی شکل‌گیری پدیده «گولن و گولنیسم» بپردازیم باید به وضعیت کنونی زادگاه این پدیده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی، یعنی ترکیه نگاه کنیم که هم‌کیشان سابق او در این هفده سال چه بلایی سر جامعه سکولار ترکیه آورده‌اند.

سیر تحولات اندیشه و تفکر و ساختارسازی جنبش گولن در ترکیه در دو دهه اخیر، اکنون با بحران و بن‌بست مواجه شده است به‌طوری که در چند ماه اخیر، ارزش لیر ترکیه در مقابل دلار تا ۴۵ درصد افت پیدا کرده است؛ اتحادیه اروپا مذاکره با دولت اردوخان برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را قطع کرده است؛ و اکنون نیز موقعیت ترکیه در ناتو و رابطه‌اش با امریکا شدیداً زیر سؤال رفته و ترکیه با بحران شدید اقتصادی و سیاسی روبروست. بنابراین، نقش و کارکرد سازمان‌های وابسته به جماعت گولن و حوزه فعالیت آن‌ها در ترکیه متزلزل شده است. احتمالاً فعالیت اقتصادی جماعت گولن در ۲۱ کشور جهان، زیر ذرهبین گذاشته شده است. به‌عبارت دیگر، شکست حزب اسلامی عدالت و توسعه در ترکیه به رهبری اردوخان، به‌معنی شکست جنبش خدمت به رهبری گولن هم است.

فتح‌الله گولن، نه تنها از سوی مؤسسه امریکائی «رند» (RAND) مسلمان میان‌رو و تشخیص داده شده، بلکه برای غرب امتیازات دیگری نیز دارد: «براساس گزارش همین مؤسسه وی «شریک» دولت امریکاست.»

هفته‌نامه اکونومیست نیز در شماره ۸ مارس ۲۰۰۸ خود، با اعلام این‌که جنبش گولن از نگاه غرب یک جنبش مطبوع بوده و مورد حمایت است، به گولن هشدار داد که این تمجید و تأییدها «به‌معنی آن نیست که تمامی دولت‌های غربی اتوماتیک وار ادعاهای او مبنی بر «میان‌روی اسلامی» را می‌پذیرند. یکی از نزدیکان گولن به اکونومیست گفت، ما می‌دانیم که فعالیت‌های ما تحت نظارت سرویس‌های امنیتی غرب است.»

این در حالی است که در فضای ترکیه «محمد فتح‌الله گولن» به‌عنوان شخصی محافظه‌کار و وابسته به غرب شناخته می‌شود.

گولن، با تمکن مالی شخصی اقدام به راه‌اندازی سرویسی برای «خدمت عمومی و آموزشی به همه مردم» از دهه ۷۰ میلادی کرده است که افراد بسیاری برای خدمت در این سرویس به‌تدریج جذب شده‌اند و در طی سال‌ها با کمک مالی و پشتیبانی خود بنیادی عظیم برای این تشکل فراهم نمودند.

گولن در این مصاحبه که پیش از صدور حکم بازداشت بود، افزود: «ما قبلاً با قیمومت نظامیان مخالفت کردیم و هم اکنون با قیمومت حزب عدالت و توسعه مخالفیم و به همین دلیل خائن نامیده می‌شویم.»

قدر قدرتی رجب طیب اردوخان، ریاست جمهوری ترکیه که به شدت افکار اخوان المسلمین ای و دیکتاتوری دارد در انتخابات محلی ۳۱ مارس شکست سختی خورد. اکنون زمان آن رسیده است که اردوخان باید از تخت ریاست پیاده شود، زیرا تاریخ مصرف او هم برای اکثریت مردم ترکیه و هم متحدان غربی‌اش تمام شده است.

نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب و دمکراتیک ترکیه، به‌ویژه حزب دموکرتیاک خلق‌ها، به‌خوبی از انتخابات ۳۱ مارس استفاده کردند. همه شهرهائی که همپیمانی حزب اسلامی عدالت و توسعه (آ.ک.پ) و حزب حرکت ملی (م.ه.پ) را انتخاب کرده‌اند، اکنون از دست آن‌ها خارج شده‌اند. مدیریت شهرهائی مانند استانبول، آنکارا، ازمیر، آدانا، مرسین و آنتالیا را از دست داده‌اند و بسیار دشوار است که بتوانند در حکومت بمانند. چون آن‌ها در کردستان هم شکست خورده‌اند بسیار سخت‌تر شده است که حکومت‌شان را حفظ کنند.

مقاومت لیلا گون و رفقای دربندش و در اروپا که با شعار «حصر را پایان می‌دهیم و فاشیسم را نابود می‌کنیم» اعتصاب غذا کرده‌اند، ائتلاف احزاب حاکم آ.ک.پ و م.ه.پ را در تنگنا قرار داده‌اند. متأسفانه تاکنون پنج تن از اعتصابیون در زندان‌های ترکیه جان خود را از دست داده‌اند و عامل اصلی مرگ این انسان‌ها، سران و مقامات حکومت ترکیه است که روزی باید جواب پس دهند.

پایان دادن به حصر عبدالله اوچالان (آپو) و ایجاد شرایط فعالیت و زندگی آزاد، برای نیروهای دمکراتیک و سوسیالیست ترکیه، بسیار مهم است.

نتیجه این انتخابات نه تنها برای جنبش‌ها و نیروهای دمکراتیک و خلق‌های تحت ستم ترکیه، بلکه حتی برای مردم آزاده منطقه و جهان نیز امیدبخش بود و شور و شغف مبارزه برای تغییر را گسترش داد و تقویت کرد.

اکنون به‌نظر می‌رسد حاکمیت امریکا بیش از هر زمان دیگری به فتح‌الله گولن و جنبش او، به‌عنوان یک آلترناتیو در مقابل حکومت اردوخان نگاه می‌کنند. اما روشن است که مردم ترکیه، به‌ویژه جنبش‌های اجتماعی و گرایش‌های چپ و سوسیالیست ترکیه، با برانداختن حاکمیت ائتلاف فاشیستی حزب اسلامی عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی، اندیشه سیاسی و اجتماعی خودمدیریتی دموکراتیک شورائی را پیاده خواهند کرد و اعتنائی به جنبش گولن نمی‌دهند!

پنج‌شنبه پانزدهم فروردین [حمل] ۱۳۹۸ - چهارم اپریل ۲۰۱۹